

تأثیر کیفیت نظارت استاد راهنما بر التزام تحصیلی و اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری

الهام حیدری^۱، رحمت اله مرزوقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۷ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر کیفیت نظارت استاد راهنما بر التزام تحصیلی و اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری بود. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. نمونه تحقیق شامل ۲۰۱ نفر از دانشجویان دکتری دانشگاه شیراز بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس‌های کیفیت نظارت استاد راهنما (هرمن و همکاران، ۲۰۱۴)، التزام تحصیلی (شافلی و باکر، ۲۰۰۶) و اهمال کاری تحصیلی (مک کلوزی، ۲۰۱۱) بودند که پس از محاسبه روایی و پایایی، بین نمونه توزیع و داده‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که کیفیت نظارت استاد راهنما تأثیر مثبت و معناداری بر التزام تحصیلی دانشجویان دارد. این در حالی است که التزام تحصیلی دانشجویان تأثیر منفی و معناداری بر اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری دارد. همچنین، کیفیت نظارت استاد راهنما نیز تأثیر منفی و معناداری بر اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری دارد.

کلیدواژه‌ها: التزام تحصیلی، اهمال کاری تحصیلی، کیفیت نظارت استاد راهنما

۱. استادیار، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۲. استاد، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه شیراز

مقدمه

چگونگی انجام پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی و کیفیت آن از اهمیت اساسی برخوردار است. چراکه پایان‌نامه بیش از آنکه دستیابی به یافته‌ای جدید و بررسی یک موضوع باشد، نوعی آموزش و یادگیری شیوه پژوهش و رشد توانمندی‌های دانشجو می‌باشد. به علاوه کیفیت نظارت استاد راهنما بر پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در چگونگی و کیفیت پایان‌نامه‌ها تاثیر گذار است و چگونگی عملکرد پژوهشی دانشجو را در انجام پایان‌نامه و در مرحله بعد در فعالیت‌های پژوهشی آتی وی به دنبال خواهد داشت (باکو، ۲۰۰۵).

معمولاً استاد راهنما وظایف مشخصی دارد و از وی به منظور انجام نظارت‌های کیفی بر پایان‌نامه انتظارات خاصی وجود دارد. از جمله این انتظارات مطالعه دقیق و عمیق پروپوزال و رساله‌های تحصیلات تکمیلی، ارائه نقدهای سازنده، کسب دانش مناسب در حوزه موضوع پایان‌نامه یا به صورت شخصی یا با مراجعه به متخصصان آن حوزه، قرار دادن دانشجو در معرض اطلاعات مناسب در حوزه موضوع پایان‌نامه، تشویق دانشجو به ورود به مجامع علمی از طریق کمک به آن‌ها برای شرکت در کنفرانس‌های مختلف و معرفی آن‌ها به سایر محققان در حوزه موضوع پایان‌نامه می‌باشد. با این حال نکته مهم آن است که دانشجو نباید انتظار داشته باشد که همه فعالیت‌ها را استاد راهنما انجام داده و بار اصلی پایان‌نامه به دوش استاد راهنما است (ویسکر، ۲۰۱۲: ۸۶-۸۵). در واقع، بخشی از کیفیت رساله‌های دانشجویان دکتری تحت تاثیر مدیریت دانشجو و تشخیص مهارت‌های لازم برای انجام رساله و ارتباط موثر با استاد راهنما است. دانشجو باید سخت کوش، دارای پشتکار بالا، پیگیر، وظیفه‌شناس و علاقه‌مند باشد (عابدین و همکاران، ۲۰۰۹). با این حال، ایجاد چنین ویژگی‌هایی در دانشجویان تحت تاثیر کیفیت نظارت استاد راهنما و چگونگی ارتباط وی با دانشجو، هدایت‌ها و راهنمایی‌های سازنده و ارائه استقلال عمل نسبی به دانشجو می‌باشد (هرمن و همکاران، ۲۰۱۴). به هر حال، به نظر می‌رسد که کیفیت نظارت در سخت کوشی، پشتکار، پیگیری و وظیفه‌شناسی دانشجو موثر باشد، مقوله‌ای که تحت عنوان التزام تحصیلی^۴ یاد می‌شود.

1. Bako
2. Wisker
3. Herrmann et al
4. Educational Engagement

التزام تحصیلی یک متغیر انگیزشی است و به معنای انگیزه مشارکت فعال در فعالیت‌های تحصیلی مانند رعایت قوانین کلاسی، انجام تکالیف درسی و مشارکت در فعالیت‌های یادگیری می‌باشد (ریسچلی و کریستنسون، ۲۰۱۲؛ دینگ و همکاران، ۲۰۱۷). التزام دارای سه بعد جذب، پایداری و توان و بنیه می‌باشد. جذب اشاره به تمرکز و غرق شدن در انجام کار دارد. پایداری به معنای درگیری شدید روحی فرد با کار خود یا به عبارتی وابستگی و همانندسازی فرد با کار است و توان و بنیه نیز به معنای داشتن سطح بالایی از انرژی و خاصیت ارتجاعی ذهن در هنگام انجام کار می‌باشد (ساعی و همکاران، ۱۳۹۱).

میزان زمان و تلاشی که دانشجو برای انجام فعالیت‌های تحصیلی انجام می‌دهد، می‌تواند در دستاوردها و نتایج فعالیت‌های علمی آنان موثر باشد (گاویرا و اموتسو، ۲۰۱۳). بنابراین، التزام تحصیلی می‌تواند نتایج مثبتی را برای دانشجویان از جمله دانشجویان دکتری که درگیر انجام رساله دکتری هستند، داشته باشد. چرا که وقتی دانشجو انرژی، انگیزه، علاقه و پشتکار لازم را برای انجام رساله داشته باشد و متمرکز بر امور رساله خود باشد، می‌تواند به نتایج مفیدی از جمله اتمام به موقع و با کیفیت رساله دست یابد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که التزام تحصیلی بالای دانشجویان می‌تواند منجر به کاهش "اهمال کاری" دانشجویان در انجام رساله دکتری گردد.

اهمال‌گری تحصیلی به معنای ناچیز شمردن فعالیت‌های تحصیلی و بی‌انگیزگی در انجام فعالیت‌ها و در نهایت سپری کردن زمان زیاد برای انجام تکالیف باشد، به گونه‌ای که انجام تکالیف و فعالیت‌های تحصیلی اغلب با تاخیر صورت پذیرد (گاستاوسون و میاکی، ۲۰۱۷). یکی از ویژگی‌های مهم اهمال‌کاری تحصیلی، تعلیق شروع و یا تکمیل فعالیت‌های علمی علیرغم آگاهی از اجباری بودن انجام تکلیف مورد نظر است (سیمپسون و پیچل، ۲۰۰۹). از آنجا که دانشجویانی که عادت به اهمال‌کاری در فعالیت‌های تحصیلی خود دارند، عمدتاً نسبت به دیگران دیرتر اقدام به انجام تکالیف خود می‌پردازند، همیشه در فشار محدودیت زمانی قرار می‌گیرند که نتیجه آن نیز کاهش کیفیت عملکرد آنان می‌باشد (پاتریک و همکاران، ۲۰۱۷).

1. Reschly & Christenson
2. Ding et al
3. Gavira & Omoteso
4. Procrastination
5. Gustavson & Miyake
6. Simpson and Pychyl
7. Patrzek et al

۲۰۱۵). البته اهمال کاری می‌تواند در انواع مختلفی از فعالیت‌های تحصیلی رخ دهد که یکی از آنها تاخیر در انجام رساله‌های دکتری است.

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که اهمال کاری و تاخیر در انجام رساله‌های دکتری می‌تواند عواقب منفی برای دانشجوی و دانشگاه داشته باشد، و تحت تاثیر عوامل مختلفی به وقوع بپیوندد. یکی از این عوامل کاهش التزام تحصیلی دانشجویان یعنی فقدان انرژی، انگیزه و تلاش لازم برای انجام فعالیت‌های علمی باشد. این کمبود انگیزه نیز به نوبه خود می‌تواند تحت تاثیر کیفیت نظارت استاد راهنما بر رساله‌های دکتری قرار گیرد. بنابراین، به نظر می‌رسد که نه تنها ویژگی‌های نظارتی استاد راهنما، بلکه دانشجوی نیز در اهمال کاری در اتمام رساله دکتری خود نقش موثری دارد. البته باید گفت که تا جایی که محققان جستجو نموده‌اند، پژوهش‌های مختلفی در زمینه ارتباط هر یک از متغیرهای پژوهشی انجام شده است که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا کنون پژوهش به بررسی ارتباط همزمان کیفیت نظارت استاد راهنما بر رساله‌های دکتری، التزام تحصیلی و اهمال کاری در اتمام رساله دکتری توسط دانشجویان نپرداخته است. با این ملاحظه می‌توان دریافت که انجام چنین پژوهشی جهت تعیین راهکارهای موثر برای مقابله با تعلل بسیار ضروری است. احساس می‌شود. لذا، هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر کیفیت نظارت استاد راهنما بر التزام تحصیلی و اهمال کاران دانشجویان در انجام رساله دکتری می‌باشد.

پیشینه پژوهش

کیفیت نظارت استاد راهنما

کیفیت نظارت استاد راهنما بر رساله‌های دکتری اشاره به انجام دقیق وظایف رهبری، هدایت و راهنمایی دانشجوی توسط استاد راهنما در مسیر تحقیقاتی و گزارش نتایج تحقیقات به صورت با کیفیت در قالب رساله، پایان‌نامه و پروژه تحقیقاتی دارد (سامبورک و همکاران؛ ۲۰۰۸). عموماً اغلب اساتید به دو شیوه دانشجویان را راهنمایی کرده و بر کار آنان نظارت دارند. در شیوه نخست استاد راهنما نقش مدیر و سازمان‌دهنده را دارد و همه امور پایان‌نامه تحت نظارت وی بدون کمترین استقلال به دانشجوی صورت می‌گیرد. در شیوه دوم استاد راهنما نقش کمرنگی در سازماندهی و مدیریت فعالیت پژوهشی

دانشجو داشته و دانشجو با استقلال زیاد پایان نامه را انجام و به اتمام می‌رساند. در شیوه دوم استاد راهنما دخالت اندکی در جریان کار پژوهشی دانشجو دارد (گاتفیلد و آلپرت، ۲۰۰۲). انتخاب هر یک از این دو شیوه مذکور نیز تحت تاثیر قابلیت ها و توانایی های دانشجو و استاد راهنما قرار دارد.

مضافاً، کیفیت پایان نامه های تحصیلات تکمیلی می‌تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی کاهش یابد. برخی از این عوامل می‌تواند شامل افزایش تقاضا برای ورود به تحصیلات تکمیلی، مشغله زیاد اساتید راهنما، فقدان قرارداد بین استاد راهنما و دانشجو در زمینه اصولی که باید در طول انجام پایان نامه مدنظر قرار گیرد، تغییر ناگهانی استاد راهنما، انتظارات متفاوت بین استاد راهنما و دانشجو، روابط نامطلوب بین استاد راهنما و دانشجو، نادیده گرفتن انتظارات و استانداردهای مدنظر دانشگاه توسط استاد و دانشجو، در دسترس نبودن استاد راهنما و غیبت های طولانی دانشجو، عدم استفاده از فناوری های نوین در انجام پایان نامه، و دانش و توانایی کم استاد راهنما در زمینه موضوع پایان نامه و روش شناسی، می‌باشد (کیمانی، ۲۰۱۴). از دیدگاه اکثر دانشجویان ویژگی های یک استاد راهنمای خوب شامل حمایتگری، در دسترس بودن، علاقمند و مشتاق به کار و موضوع پایان نامه، داشتن دانش و تخصص در موضوع، داشتن روابط خوب با دانشجویان، ارائه بازخوردهای سازنده، هدایت گرانه و سازمان دهنده، با تجربه بودن، مشوق، وقت شناس در برگزاری جلسات و قابل اعتماد بودن می‌باشند (کامر و هات، ۲۰۱۱: ۲۳). و برخورد با مسائلی مانند ارتباطات و تعاملات نامناسب، باز خورد کم و ضعیف، در دسترس نبودن و بعضاً عدم رعایت ملاحظات اخلاقی می‌تواند کیفیت رساله ها را ضعیف و تجربه ناخوشایندی برای دانشجو ایجاد نماید (چکیس، تshotشو، ماشا و سازیوا، ۲۰۱۹). بدیهی است که چنین ویژگی هایی می‌تواند در ارتقاء سطح کیفیت نظارت اساتید راهنما بر رساله های دکتری و افزایش انگیزه و التزام تحصیلی دانشجویان موثر باشد.

التزام تحصیلی

التزام تحصیلی به معنای برخورداری از توانایی و انرژی لازم برای مشارکت فعال در انجام فعالیت های تحصیلی می‌باشد (فریدنبرگ و همکاران، ۲۰۰۵). التزام تحصیلی ماهیتی چند وجهی دارد. از یک دیدگاه التزام تحصیلی می‌تواند شامل

1. Gatfield & Alpert
- 2 . Cekiso, Tshotsho, Masha & Saziwa

جنبه‌های رفتاری، شناختی و احساسی باشد (فردریک و همکاران، ۲۰۰۴). در یک تقسیم بندی دیگر التزام می‌تواند شامل ابعاد تحصیلی و رفتاری از یک سو، و التزام تحصیلی به معنی انگیزه انجام فعالیت‌های تحصیلی، و التزام رفتاری به معنای مشارکت فعال در کلاس و فعالیت‌های علمی از سوی دیگر باشد (کریستینسون و همکاران، ۲۰۰۸).

التزام تحصیلی می‌تواند در برگیرنده عواملی مانند داشتن تجارب مفید تحصیلی، برخورد و همکاری مناسب با همکلاسی‌ها و سایر افراد، مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه و مانند اینها باشد (گاویرا و اموتسو، ۲۰۱۳). آنچه در ایجاد التزام تحصیلی موثر است، ایجاد محیط‌های یادگیری است که در آن دانشجویان نه تنها به سهولت قادر به دستیابی به اطلاعات و منابع لازم باشند، بلکه بتوانند به راحتی با دیگران به ویژه متخصصان و اساتید نیز ارتباط برقرار کنند (گراهام و همکاران، ۲۰۱۷: ۴۳). به علاوه، چالش برانگیز بودن فعالیت‌های علمی، تقویت تجارب آموزشی و وجود محیط‌های یادگیری حمایتی نیز می‌توانند در افزایش التزام تحصیلی دانشجویان موثر باشد (وقان، ۲۰۱۴). به علاوه، باید گفت که ایجاد بستر افزایش التزام تحصیلی دانشجویان می‌تواند میزان زمان و تلاشی که دانشجو برای انجام فعالیت‌های تحصیلی را افزایش دهد و منافع آموزشی زیادی برای دانشجویان داشته باشد و در دستاوردها و نتایج فعالیت‌های علمی آنان موثر باشد (برمن، ۲۰۱۴، هفلین و همکاران، ۲۰۱۷). درواقع، التزام تحصیلی عامل موثری در موفقیت تحصیلی دانشجویان، انجام مناسب فعالیت‌های علمی و رشد فردی آنان می‌باشد (لی، سانگ و هانگ، ۲۰۱۹). با این حال، یکی از مهمترین دستاوردهای این متغیر می‌تواند "کاهش اهمال‌کاران" و تاخیر در انجام تکالیف تحصیلی از جمله رساله‌های دکتری باشد.

اهمال‌کاری تحصیلی

اهمال‌کاری به طور کلی به معنی عادت به تاخیر انداختن فعالیت‌ها، وظایف و تصمیمات در زندگی است (لی، مین، یو و چنگ، ۲۰۱۹). اهمال‌کاری در امور تحصیلی نیز به معنای تاخیر در انجام فعالیت‌های تحصیلی است که اغلب پدیده‌ای

1. Fredricks et al
2. Christenson et al
3. Gavira & Omoteso
4. Graham et al
5. Vaughan
6. Heflin et al
7. Lee, Song & Hong
8. Liu, Min, Yue, & Cheng

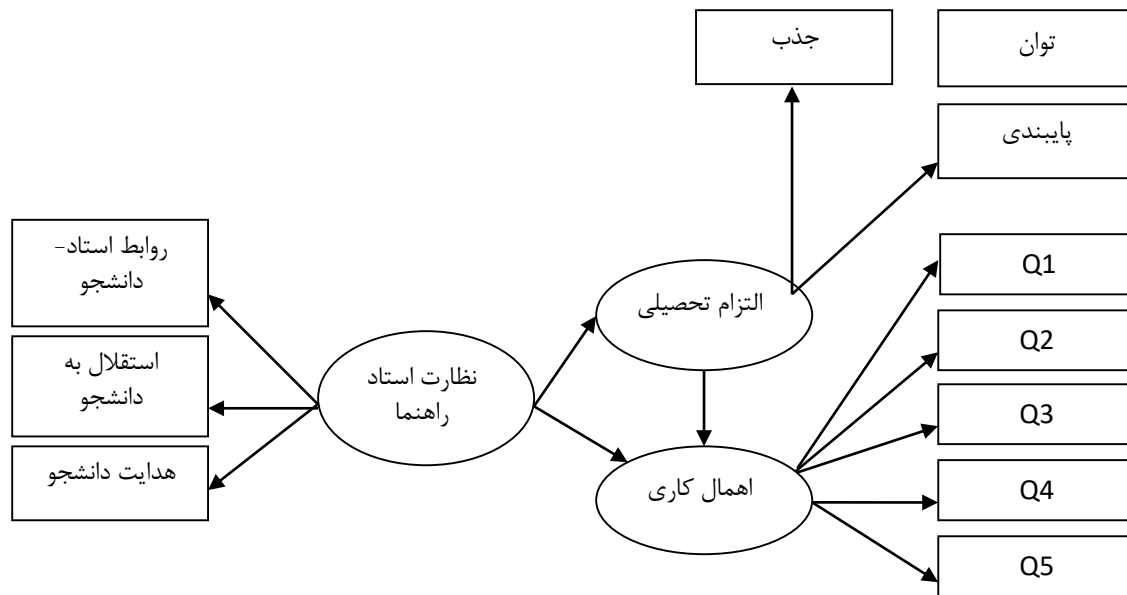
عمدی است و افراد فعالانه به آن اقدام می‌کنند. این اهمال‌کاران افرادی هستند که ترجیح می‌دهند در یک فشار و محدودیت زمانی و در دقایق پایانی کار خود را انجام دهند و به صورت عمدی فعالیت‌های خود را به تعویق می‌اندازند، و در عین حال تمایلی به کسب بالاترین نمره ندارند (چئو و مران، ۲۰۰۹). دیدگاه‌های موافق و مخالفی در رابطه با اهمال‌کاری تحصیلی مطرح شده است. اکثریت محققان و صاحب‌نظران این پدیده را منفی ارزیابی نموده و معتقدند که بایستی راه‌حلهایی برای کاهش آن اتخاذ شود. اما برخی نیز آن را منفی ارزیابی نمی‌کنند. به عنوان مثال اسکراو و همکاران^۲ (۲۰۰۷) معتقد است که اهمال‌کاری می‌تواند زمینه را برای مطالعه و انجام بهتر تکالیف تحصیلی فراهم کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد با این حال، اهمال‌کاری تحصیلی می‌تواند سلامت روانی و جسمی افراد را به خطر انداخته و رابطه دانشجویان با دیگران به ویژه اساتید را تحت تاثیر قرار دهد. چرا که وقتی دانشجویان به تعهدات و مهلت زمانی تعیین شده برای انجام تکالیف تحصیلی، پایبند نباشد، مشکلات خاصی مانند عدم اطمینان در روابط بین وی و اساتید پیش می‌آید، و لذا ممکن است که اساتید دانشجویان را ناتوان تصور نمایند (مک کلوزی و ساینزو، ۲۰۱۵). در این رابطه به نظر می‌رسد که اعمال مدیریت تحقق اهداف یکی از مهمترین عواملی است که می‌تواند در کاهش اهمال‌کاری تحصیلی موثر باشد. چرا که از طریق مدیریت اهداف، می‌توان فعالیت‌ها را مدیریت نمود، و از به تاخیر انداختن آن‌ها جلوگیری کرد (کیم و سئو،^۳ ۲۰۱۵). البته مدیریت اهداف نیز می‌تواند تحت تاثیر راهنمایی‌های دلسوزانه اساتید بهبود یابد و دانشجویان قادر به مدیریت زمان برای انجام فعالیت‌های خود گردد (گلیک و اورسیلو،^۴ ۲۰۱۵).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا کنون پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با روابط هر یک از متغیرهای پژوهش انجام شده است. به عنوان مثال پژوهش‌های ریبائو و آلویز^۵ (۲۰۱۸)، پیتچفورد همکاران^۶ (۲۰۱۲)، زاهو^۷ (۲۰۰۷) و تاکمن (۲۰۰۵) نشان داد که کیفیت نظارت استاد راهنما تاثیر منفی بر اهمال‌کاری دانشجویان و تاخیر در اتمام پایان‌نامه‌های دانشجویی

- 1 . Choi & Moran
- 2 . Schraw
- 3 . Kim & Seo
- 4 . Glick & Orsillo
- 5 . Ribau & Alves
- 6 . Pitchforth et al
- 7 . Zhao

دارد. پژوهش‌های کومار و کائور^۱ (۲۰۱۹)، بگاکاس و همکاران^۲ (۲۰۱۵)، هاسکین و گلدبرگ^۳ (۲۰۰۵) و گلد^۴ (۲۰۰۵) نشان داد که کیفیت نظارت استاد راهنما تاثیر مثبتی در التزام تحصیلی دانشجویان دارد. پژوهش‌های شیخ^۵ (۲۰۱۹)، کاپری و همکاران^۶ (۲۰۱۷)، پارک و اسپرلینگ^۷ (۲۰۱۲) و فریتزی و همکاران^۸ (۲۰۰۳) نیز نشان داده است که التزام تحصیلی می‌تواند تاثیر منفی و معناداری بر اهمال‌کاری دانشجویان در انجام فعالیت‌های علمی داشته باشد. اما در عین حال بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا کنون پژوهشی به بررسی ارتباط همزمان کیفیت نظارت استاد راهنما بر رساله‌های دکتری، التزام تحصیلی و اهمال‌کاری در اتمام رساله دکتری توسط دانشجویان در داخل و خارج از کشور صورت نگرفته است. بر این اساس و با توجه به پیشینه پژوهشی و نظری، مدل مفهومی پژوهش در قالب شکل شماره (۱) نشان داده شده است.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

- 1 . Kumar & Kaur
- 2 . Bagaka's et al
- 3 . Hoskins& Goldberg
- 4 . Golde
- 5 . Shih
- 6 . Çapri et al
- 7 . Park & Sperling
- 8 . Fritzsche et al

روش پژوهش

هدف پژوهش بررسی تاثیر کیفیت نظارت استاد راهنما بر التزام تحصیلی و اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری بود. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دکتری دانشگاه شیراز بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ مشغول به تحصیل بوده‌اند. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بود که بر اساس آن و با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۵۰ نفر انتخاب و بین آن‌ها پرسشنامه توزیع گردید و در نهایت ۲۰۱ پرسشنامه برگشت داده شده، به عنوان نمونه در نظر گرفته شد.

برای بررسی کیفیت نظارت استاد راهنما از ابزار هرمن و همکاران (۲۰۱۴) استفاده گردید. این ابزار شامل سه بعد (۱) ارتباطات بین استاد راهنما و دانشجو، (۲) هدایت و (۳) جهت‌دهی به دانشجو و استقلال به دانشجو بود که پایایی آن‌ها بر اساس ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۷ و ۰/۶۰ بوده است و روایی آن نیز بین ۰/۷۹ تا ۰/۵۷ می‌باشد. در این پژوهش نیز روایی و پایایی این ابزار مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که روایی این ابزار بین ۰/۴۸ تا ۰/۸۰ بوده و پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد که نتایج به دست آمده بیانگر سطح مطلوب روایی و پایایی ابزار مورد نظر است.

به منظور بررسی التزام تحصیلی دانشجویان از ابزاری ۱۷ گویه‌ای که با هدف سنجش التزام دانشجویان تهیه شده بود، استفاده گردید. این ابزار با اقتباس از سوالات پرسشنامه شافلی و باکر (۲۰۰۶) طراحی شده بود (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۲). نتایج حاصل از اعتباریابی این ابزار نیز نشان داد که ضریب روایی آن بین ۰/۴۰ تا ۰/۸۴ با سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ برای کلیه گویه‌ها و ضریب پایایی آن بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۶ می‌باشد.

به علاوه، برای سنجش اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری دانشجویان نیز از فرم کوتاه مقیاس اهمال کاری دانشجویان مک کلوزی^۱ (۲۰۱۱) استفاده گردید. البته در این پژوهش از این ابزار با تاکید بر انجام رساله دکتری استفاده گردید. این ابزار شامل ۵ گویه با طیف لیکرت بوده و روایی آن بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۵ و پایایی آن بر اساس ضریب آلفای

کرونباخ ۰/۸۷ می‌باشد (یوکی، ۲۰۱۶). به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزارهای spss نسخه ۲۱ و Lisrel ۸،۸ و همچنین، روش های آماری توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری استفاده گردید.

یافته‌ها

بر اساس هدف پژوهش که بررسی تاثیر کیفیت نظارت استاد راهنما بر التزام تحصیلی و اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری بود از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. اما قبل از ارایه مدل و برازش آن، میانگین و انحراف و استاندارد و همبستگی بین متغیرها محاسبه گردید. نتایج نشان داد که میانگین التزام تحصیلی، اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری و کیفیت نظارت استاد راهنما بر رساله‌های دکتری تقریباً در حد میانگین (۳) است (جدول شماره ۱).

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد هر یک از متغیرهای پژوهش

متغیر	التزام تحصیلی			اهمال کاری در		کیفیت نظارت استاد راهنما	
	توان	جذب	پایبندی	انجام رساله	روابط استاد دانشجو	استقلال	هدایت
آمار توصیفی							
میانگین	۳/۳۶	۳/۴۷	۳/۵	۳/۳۰	۳/۲۷	۳/۱۶	۳/۳۶
انحراف استاندارد	۰/۶۰	۰/۶۱	۰/۶۸	۰/۴۵	۰/۴۱	۰/۶۵	۰/۶۱

نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که ابعاد مختلف کیفیت نظارت استاد راهنما با التزام تحصیلی رابطه مثبت و معناداری و با اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری رابطه منفی و معناداری دارد. در حالی که بین ابعاد مختلف التزام تحصیلی و اهمال کاران دانشجویان در اتمام رساله دکتری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه مثبت و معنادار بین ابعاد التزام تحصیلی و کیفیت نظارت استاد راهنما وجود دارد (جدول شماره ۲).

جدول ۲: ماتریس ضرایب همبستگی هر یک از ابعاد پژوهش

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
						۱
					۰/۳۳**	۱
				۱	۰/۲۲**	۰/۲۳**
			۱	-۰/۱۱	-۰/۰۲	-۰/۰۷
		۱	-۰/۳۰**	۰/۲۳**	۰/۲۸**	۰/۲۰*
	۱	۰/۶۸**	-۰/۱۸*	۰/۲۹*	۰/۳۳**	۰/۲۸**
۱	۰/۶۵**	۰/۷۳**	-۰/۳۵**	۰/۲۱**	۰/۲۰**	۰/۲۰**

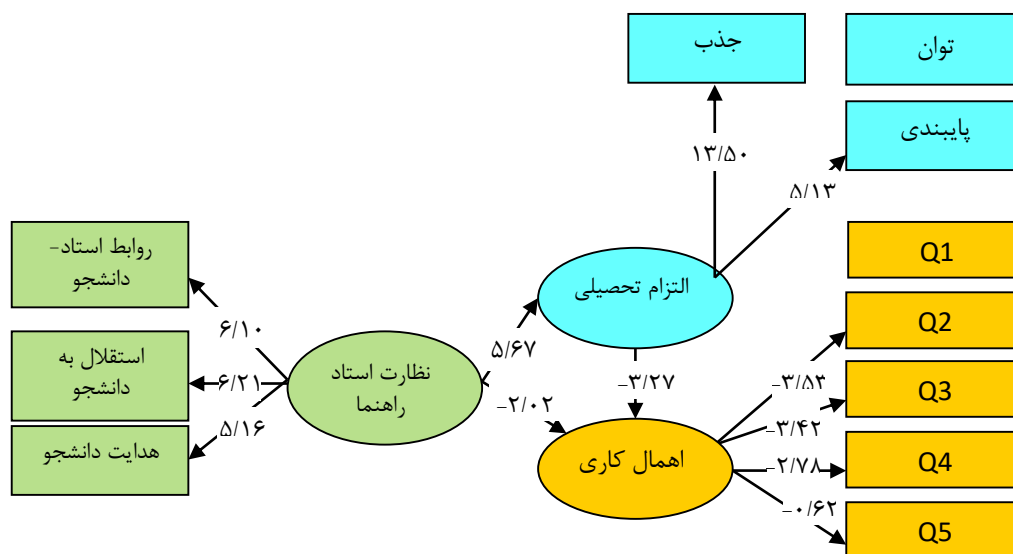
نکته: ۱=ارتباط استاد و دانشجو، ۲=استقلال دانشجو، ۳=هدایت دانشجو، ۴=اهمال کاری در رساله، ۵=توان، ۶=پایبندی،

$P < 0.01$ **, $P < 0.05$ *

۷- جذب

پس از بررسی روابط همبستگی متغیرها، روابط علی بین آنها با به کارگیری مدل معادلات ساختاری بررسی شد. نتایج

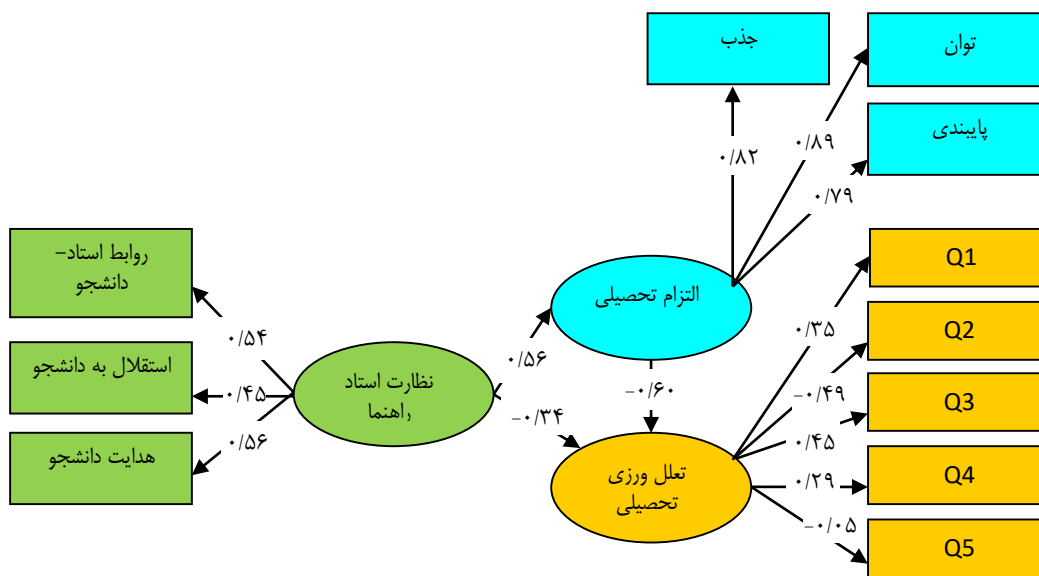
حاصل از مدل ساختاری متغیرهای پژوهش بر اساس مقادیر t -value در شکل شماره (۱) نشان داده شده است.



Chi-Square=۷۱/۴۶ DF=۳۸ P-value=۰/۰۰۰ RMSEA=۰/۰۶

شکل شماره ۱: مدل ساختاری با مولفه های اصلی بر اساس مقادیر t -value

بر اساس شکل شماره (۱) کیفیت نظارت استاد راهنما تاثیر مثبت و معناداری بر التزام تحصیلی دانشجویان ($t\text{-value} = ۵/۶۷$) دارد. این در حالی است که التزام تحصیلی دانشجویان تاثیر منفی و معناداری بر اهمال کاران دانشجویان در انجام رساله دکتری ($t\text{-value} = ۲/۵۴$) دارد. همچنین، کیفیت نظارت استاد راهنما نیز تاثیر منفی و معناداری بر اهمال کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری ($t\text{-value} = -۲/۰۲$) دارد. در شکل شماره (۲) نیز روابط ساختاری بر اساس ضرایب معناداری نشان داده شده است که حاکی از روابط معنادار بین کیفیت نظارت استاد راهنما با التزام تحصیلی و اهمال کاری در انجام رساله و همچنین، التزام تحصیلی دانشجویان و اهمال کاری آنان در انجام رساله می‌باشد.



Chi-Square=۷۱/۴۶ DF=۳۸ P-value=۰/۰۰۰ RMSEA=۰/۰۶

شکل شماره ۲: مدل ساختاری با مولفه های اصلی بر اساس ضرایب معناداری

لازم به ذکر است که نتایج حاصل از بررسی شاخص های برازش مدل علی پژوهشی نشان دهنده برازش مناسب مدل

است (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: شاخص های برازش مدل نهایی

NNFI	NFI	GFI	CFI	IFI	RMSEA	χ^2/df	Df	χ^2
۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۰۶	۱/۸۸	۳۸	۷۱/۴۶

بحث و نتیجه گیری

یکی از رسالت های آموزش عالی کمک به رشد و توسعه علمی جامعه است و این مهم نیز محقق نمی گردد مگر با انجام پژوهش های کیفی توسط محققان دانشگاهی. در واقع، دانشگاه از یک سو وظیفه خطیر ایجاد تولیدات علمی با کیفیت را بر عهده دارد و از سوی دیگر نیز وظیفه تربیت محققان توانمند برای انجام پژوهش های مورد نیاز جامعه در داخل و یا خارج از دانشگاه را بر عهده دارد. به نظر می رسد که مقطع دکتری و گذراندن با کیفیت رساله دکتری می تواند در تحقق این مأموریت نقش اساسی داشته باشد. شاید بتوان گفت که کیفیت هدایت و نظارت استاد راهنما بر رساله های دکتری، چگونگی عملکرد پژوهشی دانشجو را در انجام رساله و در مراحل بعدی فعالیت های پژوهشی آتی ویرا تحت تاثیر قرار می دهد (باکو، ۲۰۰۵). به نظر می رسد که تاثیر گذاری کیفیت نظارت استاد راهنما بر اتمام به موقع و با کیفیت رساله های دکتری به واسطه التزام تحصیلی دانشجویان اتفاق بیفتد. یعنی دانشجو نیز در کیفیت رساله و اتمام به موقع آن نقش دارد. یافته های پژوهش نشان داد که کیفیت نظارت استاد راهنما تاثیر مثبت و معناداری بر التزام تحصیلی دانشجویان دارد. این یافته به این معناست که انجام دقیق وظایف رهبری، هدایت و راهنمایی دانشجو توسط استاد راهنما در مسیر تحقیقاتی و کمک به وی در گزارش نتایج تحقیقات به صورت با کیفیت در قالب رساله و مقاله (سامبروک و همکاران، ۲۰۰۸)، می تواند منجر به ایجاد انگیزه کار و مشارکت فعال در انجام وظایف علمی از جمله رساله دکتری گردد (ریسچلی و کریستنسون، ۲۰۱۲؛ دینگ و همکاران، ۲۰۱۷). دلیل احتمالی این یافته می تواند نیروی انگیزشی باشد که به واسطه ارتباطات مناسب استاد با دانشجو و هدایت دقیق و عالمانه استاد راهنما ایجاد می شود. از آنجا که التزام تحصیلی یک متغیر انگیزشی است، نیروی حاصل از کیفیت نظارت استاد راهنما می تواند منجر تمرکز، علاقه، توان و انرژی بیشتر دانشجو برای انجام امور رساله گردد (فریدنبرگ و همکاران، ۲۰۰۵). این یافته با پژوهش های بگاکاس و همکاران^۵ (۲۰۱۵)، هاسکین و گلدبرگ^۶ (۲۰۰۵) و گلد^۷ (۲۰۰۵) همسو می باشد.

1. Bako
2. Sambrook et al
3. Reschly & Christenson
4. Ding et al
5. Bagaka's et al
6. Hoskins & Goldberg
7. Golde

از دیگر یافته‌های پژوهش، تاثیر منفی و معنادار التزام تحصیلی دانشجویان بر اهمال‌کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری می‌باشد. این یافته بیانگر آن است که هر چه انگیزه دانشجو برای انجام فعالیت‌های تحصیلی از جمله رساله دکتری بیشتر باشد و مشارکت فعالی در انجام امور رساله داشته باشد (کریستینسون و همکاران، ۲۰۰۸)، تاخیر در انجام رساله کاهش می‌یابد و دانشجو کمتر مجبور به انجام رساله خود در یک فشار و محدودیت زمانی و تا دقایق پایانی می‌شود (چئو و مران، ۲۰۰۹). بنابراین، رساله با کیفیت بهتری می‌تواند انجام شود. دلیل احتمالی این یافته آن است که افراد با التزام تحصیلی بالا، انگیزه، توان و انرژی لازم برای انجام فعالیت‌های علمی را داشته و از نظر جسمی و روحی وضعیت مساعدی دارند. لذا، قادرند تا زمان زیادی برای انجام کار علمی داشته باشند و تلاش مضاعفی نسبت به سایرین از خود نشان دهند، و در نتیجه به دستاوردها و نتایج مفیدی دست یابند (گاویرا و اموتسو، ۲۰۱۳). بنابراین، التزام تحصیلی می‌تواند انرژی، انگیزه، تمرکز و پشتکار لازم را برای انجام رساله ایجاد نماید. این یافته با پژوهش‌های کاپری و همکاران^۴ (۲۰۱۷)، پارک و اسپرلینگ^۵ (۲۰۱۲) و فریتزی و همکاران^۶ (۲۰۰۳) همسو می‌باشد.

همچنین، یافته‌ها نشان داد که کیفیت نظارت استاد راهنما تاثیر منفی و معناداری بر اهمال‌کاری دانشجویان در انجام رساله دکتری دارد، اما با توجه به مقدار (t - value) به دست آمده این تاثیرگذاری به واسطه التزام تحصیلی بیشتر می‌شود. این یافته به این معناست که وقتی استاد راهنما نظارت با کیفیتی بر رساله‌های دکتری داشته باشد یعنی روابط استاد و دانشجو همراه با احترام باشد، هدایت و راهنمایی دانشجو به دقت صورت گیرد و دانشجو از استقلال عمل مناسبی برخوردار باشد (هرمن و همکاران، ۲۰۱۴)، دانشجو به تعهدات خود و مهلت زمانی تعیین شده، پایبند گردد (مک کلوزی و ساینزو، ۲۰۱۵) و با مدیریت فعالیت‌های خود، از به تاخیر افتادن رساله جلوگیری کند (کیم و سئو، ۲۰۱۵). با این حال، این تاثیرگذاری به واسطه التزام تحصیلی بیشتر می‌شود. چراکه همانگونه که بیان گردید، کیفیت نظارت استاد راهنما می‌تواند نه تنها توانایی‌های دانشجو را رشد دهد، بلکه ترس و نگرانی دانشجو را کم نموده و وی را از سردرگمی رها سازد

1. Christenson et al
2. Choi & Moran
3. Gavira & Omoteso
4. Çapri et al
5. Park & Sperling
6. Fritzsche et al
7. Kim & Seo

و در نتیجه نیروی انگیزشی قوی باشد، و التزام تحصیلی دانشجویان را افزایش دهد، و دانشجویان نیز انرژی و انگیزه لازم برای انجام به موقع و با کیفیت رساله را کسب کند. این یافته با پژوهش‌های پیتچفورد همکاران^۱ (۲۰۱۲)، زهاو^۲ (۲۰۰۷) و تاکمن (۲۰۰۵) همسو می‌باشد.

به طور کلی می‌توان گفت نتیجه گرفت که انجام به موقع و با کیفیت رساله‌های دکتری می‌تواند تحت تاثیر کیفیت نظارت استاد راهنما و التزام تحصیلی دانشجویان باشد. بنابراین، برای کاهش هزینه‌های ناشی از تاخیر در انجام رساله دکتری و کیفیت پایین رساله‌ها، باید برنامه ریزی‌ها و آموزش‌های لازم جهت ارتقاء سطح کیفیت نظارت اساتید راهنما صورت گیرد و اقدامات لازم برای رشد التزام تحصیلی دانشجویان انجام شود. از نتایج این پژوهش نه تنها می‌تواند مورد استفاده مسئولان دانشگاه‌ها و اساتید قرار گیرد، بلکه می‌توان در جهت بهبود انجام فعالیت‌های پژوهشی و امور پایان‌نامه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا پیشنهاد می‌گردد که پژوهشگران در پژوهش‌های خود به بررسی سایر عوامل احتمالی موثر بر اهمال کاری و تاخیر دانشجویان در اتمام رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها که می‌تواند هزینه‌های سنگینی را برای نظام آموزش عالی ایجاد کند بپردازند. به نظر می‌رسد که برخی از این عوامل می‌تواند چگونگی فرآیندهای اداری، قوانین، ویژگی‌های فردی، کیفیت امکانات و دروس گذرانده شده به ویژه روش تحقیق، تسهیم دانش بین دانشجویان و مواردی از این قبیل باشد. همچنین، پژوهشگران می‌توانند به بررسی سایر پیامدهای کیفیت نظارت استاد راهنما بپردازند. برخی از پیامدهای احتمالی که می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، شامل رشد احساس خودکارآمدی پژوهشی، رشد احساس توانمندی حرفه‌ای، انگیزه ادامه تحصیل، رشد تولید علم دانشجویان، تحت تاثیر قرار گرفتن شرایط روحی و روانی و مواردی از این قبیل می‌باشد.

1. Pitchforth et al
2. Zhao

Abiddin, N. Z., Hassan, A., & Ahmad, A. R. (2009). Research student supervision: An approach to good supervisory practice. *The Open Education Journal*, 2(1).

Bagaka's, J. G., Badillo, N., Bransteter, I., & Ris Pinto, S. (2015). Exploring student success in a doctoral program: The power of mentorship and research engagement. *International Journal of Doctoral Studies*, 10, 323-342.

Çapri, B., Gündüz, B., & Akbay, S. E. (2017). Utrecht Work Engagement Scale-Student Forms'(UWES-SF) Adaptation to Turkish, Validity and Reliability Studies, and the Mediator Role of Work Engagement between Academic Procrastination and Academic Responsibility. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 17(2).

Cekiso, M., Tshotsho, B., Masha, R., & Saziwa, T. (2019). Supervision experiences of postgraduate research students at one South African higher education institution. *South African Journal of Higher Education*, 33(3), 8-25.

Choi, J. & Moran, S. (2009). Why not procrastinate? Development and validation of a new active procrastination scale. *Journal of Social Psychology*, 149(2), 195-211.

Christenson, S. L., Reschly, A. L., Appleton, J. J., Berman, S., Spanjers, D., & Varro, P. (2008). Best practices in fostering student engagement. *Best practices in school psychology*, 5, 1099-1120.

Ding, L., Kim, C., & Orey, M. (2017). Studies of student engagement in gamified online discussions. *Computers & Education*. doi: 10.1016/j.compedu.2017.06.016.

Fredricks, J. A., Blumenfeld, P. C., & Paris, A. H. (2004). School engagement: Potential of the concept, state of the evidence. *Review of educational research*, 74(1), 59-109.

Fritzsche, B. A., Young, B. R., & Hickson, K. C. (2003). Individual differences in academic procrastination tendency and writing success. *Personality and Individual Differences*, 35(7), 1549-1557.

Frydenberg, E., Ainley, M., & Russell, V. J. (2005). Student Motivation and Engagement. *Schooling Issues Digest.2*: 1-11.

Gatfield, T., & Alpert, F. (2002). The supervisory management styles model. In *Annual International Conference of the Higher Education Research and Development Society of Australasia (Herdsa)*. Perth, Australia: HERDSA.

Gavira, R., & Omoteso, K. (2013). Perceptions of the usefulness of virtual learning environments in accounting education: A comparative evaluation of undergraduate accounting students in Spain and England. *Accounting Education*, 22(5), 445-466.

Glick, D. M., & Orsillo, S. M. (2015). An investigation of the efficacy of acceptance-based behavioral therapy for academic procrastination. *Journal of Experimental Psychology: General*, 144, 400-409.

Golde, C. M. (2005). The role of the department and discipline in doctoral student attrition: Lessons from four departments. *The Journal of Higher Education*, 76(6), 669-700.

Graham, A., Toon, I., Wynn-Williams, K., & Beatson, N. (2017). Using 'nudges' to encourage student engagement: An exploratory study from the UK and New Zealand. *The International Journal of Management Education*, 15(2), 36-46.

Gustavson, D. E., & Miyake, A. (2017). Academic procrastination and goal accomplishment: A combined experimental and individual differences investigation. *Learning and Individual Differences*, 54, 160-172.

Heflin, H., Shewmaker, J., & Nguyen, J. (2017). Impact of mobile technology on student attitudes, engagement, and learning. *Computers & Education*, 107, 91-99.

Herrmann, K. J., Wichmann-Hansen, G., & Jensen, T. K. (2014). *Quality in the PhD Process: A survey among PhD students at Aarhus University*. Centre for Teaching and Learning. Aarhus University.

Hoskins, C. M., & Goldberg, A. D. (2005). Doctoral student persistence in counselor education programs: Student-program match. *Counselor Education and Supervision*, 44(3), 175-188.

Kim, K. R., & Seo, E. H. (2015). The relationship between procrastination and academic performance: A meta-analysis. *Personality and Individual Differences*, 82, 26-33.

Kimani, E. N. (2014). Challenges in quality control for postgraduate supervision. *International Journal of Humanities Social Sciences and Education*, 1(9), 63-70.

Kumar, V. and Huat, BBK. (2011). *A handbook for postgraduate supervision*. Ministry of Higher Education, 1-112.

Kumar, V., & Kaur, A. (2019). Supervisory practices for intrinsic motivation of doctoral students: a self-determination theory perspective. *International Journal of Doctoral Studies*, 14, 581-595.

Lee, J., Song, H. D., & Hong, A. J. (2019). Exploring factors, and indicators for measuring students' sustainable engagement in e-learning. *Sustainability*, 11(4), 985.

Liu, L. Q., Min, G., Yue, S. T., & Cheng, L. S. (2018). The Influence of Mobile Phone Addiction on Procrastination: A Moderated Mediating Model. *J Ergonomics*, 8(232), 2.

Mccloskey, J. & Scielzo, S. (2015). Finally, The Development and Validation of the Academic Procrastination Scale. *Experiment Findings*. DOI: 10.13140/RG.2.2.23164.64640.

Park, S. W., & Sperling, R. A. (2012). Academic procrastinators and their self-regulation. *Psychology*, 3(01), 12.

Patrzek, J., Sattler, S., van Veen, F., Grunschel, C., & Fries, S. (2015). Investigating the effect of academic procrastination on the frequency and variety of academic misconduct: a panel study. *Studies in Higher Education*, 40(6), 1014-1029.

Pitchforth, J., Beames, S., Thomas, A., Falk, M., Farr, C., Gasson, S., & Mengersen, K. (2012). Factors affecting timely completion of a PhD: a complex systems approach. *Journal of the Scholarship of Teaching and Learning*, 12(4), 124-135.

Reschly, A. L., & Christenson, S. L. (2012). Jingle, jangle, and conceptual haziness: Evolution and future directions of the engagement construct. In *Handbook of research on student engagement* (pp. 3-19). Springer US.

Ribau, I., & Alves, M. G. (2018). Doctoral Supervision at NOVA Lisbon University: An Overview. *Universal Journal of Educational Research*, 6(11), 2530-2542.

Saei, E., Naami, A., Nisi, A. (2011). Relationship between important dimensions of job control and work commitment of Abadan refinery staff. *Journal of Analytical- Cognitive Psychology*, 3 (10), 73-84. [Persian]

Salimi, G., Haidari, E., Keshavarzi, F. (2013). The explanation of the relationship between the students' engagement and knowledge sharing behavior at University: the role of attitude to knowledge sharing as the mediator variable. *Journal of Academic librarianship and Information Research*, 47(4), 351-374. doi: 10.22059/jlib.2013.51130. [Persian]

Sambrook, S., Stewart, J., & Roberts, C. (2008). Doctoral supervision... a view from above, below and the middle. *Journal of Further and Higher Education*, 32(1), 71-84.

Schraw, G., Wadkins, T. & Olafson, L. (2007). Doing the things, we do: A grounded theory of academic procrastination. *Journal of Educational Psychology*, 99(1), 12-25.

Shih, S. S. (2019). An Examination of Academic Coping and Procrastination from the Self-Determination Theory Perspective. *Journal of Education and Human Development*, 8(1), 57-68.

Simpson, W. K., & Pychyl, T. A. (2009). In search of the arousal procrastinator: Investigating the relation between procrastination, arousal-based personality traits and beliefs about procrastination motivations. *Personality and Individual Differences*, 47(8), 906-911.

Tuckman, B. W. (2005). Academic procrastinators: their rationalizations and web-course performance. *Psychological Reports*, 96, 1015 – 1021.

Vaughan, N. (2014). Student engagement and blended learning: Making the assessment connection. *Education Sciences*, 4(4), 247-264.

Wisker, G. (2012). *The good supervisor: Supervising postgraduate and undergraduate research for doctoral theses and dissertations*. Palgrave Macmillan.

The Effect of Supervisor's Supervision Quality on Academic Engagement and Student's Procrastination to Do Ph.D. Dissertation

Elham Heidari¹, Rahmatollah Marzooghi²

Abstract

The purpose of this study was to assessment of the effect of supervisor's supervision quality on academic engagement and student's procrastination to do Ph.D. dissertation. The research method was descriptive correlational method. The research sample consisted of 201 students of Shiraz University who were selected by Stratified random sampling. The research tools consist of supervisor's supervision quality measurement scale (Herman et al., 2014), academic engagement (Shafley and Bucker, 2006), and academic procrastination (McCullozy, 2011) that after calculating their validity and reliability, they were distributed among the samples and the data were analyzed using structural equation model. The findings showed that the supervisor's supervision quality has a positive and significant effect on the student's academic engagement. However, students' academic engagement has a negative and significant effect on the student's procrastination in doing Ph. D dissertation. Also, the supervisor's supervision quality has a negative and significant effect on the student's procrastination in doing Ph.D. dissertation.

Keywords: Academic Engagement, Academic Procrastination, Supervisor's Supervision Quality

1 . Assistant professor. Department of administration and educational planning. Shiraz university

2 . Professor. Department of administration and educational planning. Shiraz university